انترناسیونال 820

جلیل جلیلی

**مسائل انقلاب ايران**

**”اپوزيسيون اپوزيسيون نشويد‟**

اين روزها در بين برخى فعالين سياسى، عمدتا فعالين چپ و كمونيست، بحثهاى زيادى در رابطه با اصطلاح ”اپوزيسيون اپوزيسيون نشويد‟ در جريان بوده است. بحث ظاهرا از اينجا شروع شده كه حميد تقوايى، ليدر حزب كمونيست كارگرى، اخيرا در يك سخنرانى خطاب به كمونيستهاى ايران، از آنها خواسته است كه خود را نه در قامت معترضين مادام العمر بلكه در قامت ناجيان و رهبران آينده آن جامعه ببينند و در اين قامت ظاهرشوند. سخنرانى مورد اشاره ايشان نكات فراوانى را شامل ميشود از جمله اينكه انقلاب حركتى است اجتماعى و همگانى عليه قدرت حاكم. سرنوشت هر انقلابى به نيروى رهبرى كننده آن انقلاب گره ميخورد. كمونيسم در هر انقلابى تنها زمانى ميتواند بعنوان رهبر آن انقلاب انتخاب شود كه در قامت يك حزب سياسى عروج كند. اين حزب بايد نه تنها از خواستها و مطالبات يك طبقه و يك بخش جامعه بلكه از خواست ها و مطالبات برحق همه بخشهاى جامعه دفاع كند و خود را نه فقط ناجى يك طبقه يا يك بخش از جامعه بلكه ناجى كل جامعه از تمام مصائب و مشكلات اجتماعى شناخته شده آن جامعه در زمان تاريخى معين معرفى كند. ايشان بخشى از گفته هاى خود را به اين شكل فرموله ميكند كه ”اپوزيسيون اپوزيسيون نشويد‟.

اگر فرضياتى كه نظرات مطرح شده از طرف حميد تقوايى بر آنها متكى است را قبول داشته باشيم در اين صورت درك درست بودن نطرات ايشان و راه گشا بودن رهنمودهاى ايشان براى كمونيسم در شرايط امروز ايران سخت نخواهد بود.

فرضياتى كه رهنمودهاى حميد تقوايى بر آنها متكى است از جمله عبارتند از: جمهورى اسلامى رفتنى است. جامعه ايران براى برانداختن حكومت به حركت درآمده است. تمام بخشهاى مردم ايران حكومت اسلامى را مصبب و عامل بقاء تمام مشكلات خود ميدانند و رهايى از اين مشكلات را در رهايى از شر اين حكومت و اين رژيم جستجو ميكنند. كمونيسم در ايران نفوذ گسترده اى دارد. كمونيسم در ايران متشكل است. راه حل هاى كمونسيتى در ميان نه تنها جنبش كارگرى بلكه در ميان ساير جنبشهاى اجتماعى، از جمله جنبش آزادى زن، جنبش دانشجويى، جنبش خلاصى فرهنگى جوانان، جنبش دفاع از محيط زيست، جنبش سكولاريستى و رهايى از مذهب، جنبش آزادى همجنس گرايى و جنبش دفاع از حقوق كودكان به گفتمان مسلط تبديل شده است. حزب كمونيست كارگرى در ايجاد چنين فضايى در جامعه ايران نقش فعالى بازى كرده است. معضلات جامعه ايران راه حل سرمايه دارانه ندارد. سوسياليسم و كمونيسم در ايران امكان و احتمال پيروزى دارد.

من این فرضیات را درست و واقعی میدانم. و بنظر ميرسد که آن تعداد از فعالان سیاسی هم که حول فرمول‌بندی «اپوزیسیون اپوزیسیون نشوید» سر و صدا راه انداخته اند و تلاش دارند تا خط و سیاست حمید تقوایی را راست روی جلوه دهند، در مورد خیلی از این مفروضات، اگر نه همه آنها، با ما توافق داشته باشند. ولی شاید هم، در برخی از این مفروضات توافق وجود نداشته باشد و یا سوء تأبیرات و سوء تفاهماتی در برخی از مفروضات باشد. من میخواهم در اینجا نگاهی داشته باشم به برخی از این عدم توافقات و یا سوء تفاهمات احتمالی.

ابتدا نگاهی بیاندازیم به نکته ای که این دوستان سر آن با حمید تقوایی توافق ندارند؛ انقلاب امری است همگانی. درک این مساله که انقلاب یعنی خیرش عمومی برای سرنگون کردن حکومت، برای کسانی که در دویست سال گذشته در این جهان زیسته اند و مقداری با سیاست و تحولات سیاسی و اجتماعی آشنایی داشته اند، آسانترین مسأله است. دنیا در دویست سال گذشته شاهد انقلابات فراوان بوده است. در هیچ یک از این انقلابات تنها یک طبقه یا یک بخش از جامعه شرکت نکرده است بلکه در همه آنها تمام طبقات و اقشار ناراضی از وضعیت موجود شرکت داشته اند. و نتیجه همه این انقلابات به این بستگی داشته که نمایندگان سیاسی چه طبقه ای و با چه خط مشی سیاسی آن انقلابات را رهبری کرده اند.

نه در انقلاب بورژوایی دویست سال پیش فرانسه فقط طبقه بورژوا شرکت کرد، نه در انقلابی که یکصد سال بعد از آن در همان کشور اتفاق افتاد و به کمون پاریس معروف شد، تنها کارگران شرکت کردند. در هر دو این انقلابات تمام مردم و تمام اقشار ناراضی از وضعیت موجود شرکت داشتند و همه آنها راه حل را در سرنگونى حكومت موجود ميديدند. ولی اگر دستاوردهای این دو انقلات برای شرکت کنندگان اش متفاوت بود، که بود، نه بخاطر این بود که انقلاب اول همگانى بود و دومى نه. و نه بخاطر این بود که در انقلاب اول همه اقشار ناراضى شركت داشتد و در دومی فقط کارگران شرکت داشتند، نه. بلکه به این خاطر بود که رهبری اولی دست بورژوازی بود و رهبری دومی دست کمونیست ها.

نه در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسيه تنها کارگران شرکت داشتند و نه در انقلاب ۱۳۵۷ ایران فقط ”مسلمانان‟. اگر انقلاب ۵۷ ایران از منظر كارگران، زنان، و اكثريت شركت كنندگان در آن انقلاب به اهدافش نرسید که نرسید، اگر انقلاب ۵۷ ایران ملا خور شد که شد و اگر انقلاب ۵۷ ایران اسلامی شد که شد، دلیلش این نبود که آن انقلاب همگانی بود و یا اینکه همه اقشار ناراضی از وضع موجود همزمان و دسته جمعی در تظاهرات های خیابانی شرکت کردند و همه با هم علیه حکومت موجود دست به اقدام زدند. بلکه دلیل اش بطور ساده این بود که رهبری این انقلاب بدست جریان اسلامی و در رأس آن خمینی افتاد. به بیان دیگر دلیل اینکه انقلاب ۵۷ آزادی، برابری و رفاه را برای شرکت کنندگان در آن انقلاب به ارمغان نیاورد، این بود که کمونیست ها نتوانستند رهبری آن انقلاب را بدست بگیرند. من در این نوشته نمی‌خواهم به دلایل متعدد اینکه چرا کمونیستها نه، بلکه جریان اسلامی رهبری انقلاب را بدست گرفت، بپردازم. ولی می‌خواهم به یکی از دلایلی که جریان اسلامی توانست رهبری اش را بر آن انقلاب تحمیل کند و یا حتی حمایت بخشی از چپ آن دوره جامعه را، ”چپ ضد امپریالیست‟ را، با خود داشته باشد، که به این بحث هم مربوط است، اشاره کنم. دلیل آن، این نبود که آن يك انقلاب همگانى بود و همه با هم در انقلاب شرکت کردند. و این هم نبود که گویا کمونیست های آن جامعه در جریان آن انقلاب به افشاگری علیه جریان اسلامی اقدام نکردند. (يكى از ”ناقدين‟ اصطلاح اپوزيسيون اپوزيسيون نشويد، رحمان حسين زاده، گفته است: *”خلاء بزرگ جنبش آزادیخواهانه و سرنگونی طلبانه سال ۵۷ علیه رژیم سلطنت اتفاقا نبودن تقابل و شعارروشن علیه اپوزیسیون فوق راست بورژوا اسلامی بود، که جنبش چپ و کمونیستی آن موقع دقیقا به دلیل پوپولیسم حاکم و به خط شدن زیر بیرق "همه با هم" از چنین درایت و ابتکاری بهره مند نبود*‟ من اينجا لازم ميدانم بگويم كه در مقطع مورد اشاره ايشان جریانی در چپ ایران، اگرچه ضعیف و پراکنده، وجود داشت که علیه جریان اسلامی به مردم هشدار داد. خود من در پائيز سال ۵۷ که در شهر شاهپور، يكى از شهرهاى آذربايجان غربى، کار میکردم، اعلامیه ای با عنوان هشدار به مردم انقلابى نوشتم. اين اعلاميه در دفاع از حقانيت انقلاب عليه حكومت پهلوى و در نقد جريان اسلامى بود با این مضمون که اگر خمینی و جریان اسلامی سر کار بیایند یک حکومت فاشیستی و شرایطی بد تر را ایجاد خواهند کرد. من و یکی دیگر از رفقای خوبم یک شب تمام وقت صرف کردیم و این اعلامیه را با استفاده از کاربن به تعداد یکصد عدد تکثیر کردیم و در تظاهرات روز بعد بخش کردیم. من مطمئنم که کمونیست های زیادی در سایر جاهای ایران وجود داشتند که توهمی به خمینی و بورژوازی «ملی» نداشتند و دست به افشاگری علیه این توطئه بورژوازی جهانی زدند ولی صدای آنها در هیاهوی ضد امپریالیستی حاکم بر فضای اعتراضی آن روزها، مثل قطره های باران در زمین خشک، ناپدید شد و نتوانست هیچ نیرویی را سازمان بدهد و جابجا کند.) بنابراين اگر دليل اينكه كمونيستها نتوانستند انقلاب ۵۷ را رهبرى كنند ”*نبودن تقابل و شعارروشن علیه اپوزیسیون فوق راست بورژوا اسلامی‟* از طرف كمونيستها نبود، ولى يك دليل پذيرفته شدن خمينى بعنوان رهبر آن انقلاب اين بود كه او خود را نه ”اپوزيسيون اپوزيسيون‟ بلكه بعنوان رهبر همه اقشار مردم و همه گرايشات اجتماعى معرفى كرد. جریان اسلامی از مکانیسم های رهبری یک ”انقلاب همگانى‟ بدرستی استفاده کردند. آنها خود را نه نماینده یک گرایش اجتماعی معین بلکه نماینده ”ملت‟ و نماينده همه مردم و همه اقشار اجتماعى اعلام كردند.

اينجا لازم ميدانم، تا آنجا كه به اين بحث مربوط است، به شباهتها، اگر شباهتى وجود داشته باشد، و تفاوتهاى دو انقلاب، انقلاب عليه حكومت شاه و انقلاب عليه جمهورى اسلامى اشاره كنم.

تنها شباهت گريزناپذير اين دو انقلاب، مثل شباهت همه انقلابات، ”همگانى‟ بودن آنهاست.

ولى تفاوتها:

\* اولين تفاوت در شرايط كاملا متفاوت زمانى آنهاست. در ۴۰ سال گذشته خيلى چيزها در جهان و همينطور در ايران عوض شده است. وسايل ارتباط جمعى چنان گسترش پيدا كرده كه همه مردم امكان دسترسى به همه اطلاعات لازم براى تصميم گيرى در مورد زندگى شان را دارند. همه مردم جهان و هابئله\* مردم ايران بطور زنده در جريان پيشرفتهاى علمى، فنى و فرهنگى همديگر قرار دارند. اين دستآوردها امكان در خفقان و در ترس و در بيخبرى نگهداشتن جامعه را از حاكمين سلب كرده است.

\* اگر در قبل از انقلاب ۵۷ راه حل سوسياليستى معضلات مردم طرح نشده بود و هنوز توهم به ”بورژوازى ملى و مترقى‟ و توهم به ”راه حل اسلامى‟ معضلات مردم در جامعه ايران موج ميزد، اکنون این توهمات دود شده و به هوا رفته است.

\* روحیه ضد سرمایه‌داری و ضد تقسیمات طبقاتی، روحیات ضد تبعیضات جنسی، زبانی، مذهبی و ضدیت با هر نوع تفکرات تفرقه افکنانه در بین مردم گسترش یافته است.

\* طبقه کارگر ایران رهبرانی کاردان، سوسیالیست و دارای آگاهی همه جانبه به منافع طبقاتی خود از خود بیرون داده و به جامعه معرفی کرده است. رهبرانی که خود را ناجیان کل جامعه معرفی میکنند و با اعتماد بنفس، شکل دیگری از سازمان اجتماعی و اداری جامعه، اداره شورایی جامعه را معرفی میکنند.

\* اگر کمونیسم در ایران دهه ۶۰ با حزب توده و سازمان فدائیان شناخته میشد، کمونیسم در ایران امروز با حزب کمونیست کارگری شناخته میشود.

\* اگر حزب چپ آن دوره نماینده بورژوازی «ملی و مترقی» و نماینده آمال و آرزوهای جنبش ضد امپریالیستی بود، حزب چپ این دوره بعنوان حزب کارگران ایران و نماینده آمال و آرزوهای آزادی خواهانه و برابری طلبانه طبقه کارگر شناخته شده است.

\* اگر مدرنیسم در انقلاب ۵۷ نمایندگی نشد بلکه با برچسب «غربزدگی» به حاشیه رانده شد، جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی امروز با مدرنیسم عجین شده است. و اگر خصلت نمای چپ آن دوره «شرق زدگی»، اسلام پناهی و ضد امپریالیسم بود، مدرنیسم، ضد دین و طرفدار فرهنگ مدرن غربی بودن خصلت نمای کمونیسم امروز ایران است.

\* اگر مبارزه برای آزادی زن از طرف بستر اصلی چپ در انقلاب ۵۷ «فرعی» قلمداد شد و به حاشیه رفت، بستر اصلی کمونیسم در ایران امروز پرچم آزادی زن را برافراشته نگهداشته و انقلاب آتی ایران را بطور سمبولیک انقلاب زنانه نامیده است.

و نکته آخر، ولی نه آخرین نکته، این است که اگر کمونیسم حقیقی، یعنی کمونیسمی که اعتراض کارگران علیه استثمار و علیه کار مزدی است، کمونیسمی که صدای محرومان علیه فقر و نابرابری است، کمونیسمی که صدای آزادیخواهان و برابری طلبان است، کمونیسمی که صدای آزادیخواهی زنان و صدای اعتراض آنها علیه تبعیض است، نتوانست خود را در یک حزب واحد متشکل کند و مدعی رهبری انقلاب ۵۷ شود و بدین ترتیب میدان برای عروج جنبش اسلامی در نقش رهبری آن انقلاب باز تر شد، اکنون کمونیسم کارگری، که با ضد نظام سرمایه‌داری بودنش، با مدافع سازش ناپذیر آزادی زن بودنش، با سکولاریسم و مدرنیسم و ضد اسلام سیاسی بودنش، با مخالفتش با هرگونه ستم و تبعیض و با مصمم بودنش در سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب مردم و تشکیل یک حکومت شورایی و ساختن یک جامعه آزاد، برابر، مرفه و انسانی شناخته شده است، آری چنین حزبی در حال سازماندهی و هدایت انقلاب علیه حکومت اسلامی سرمایه‌داران و در حال بازی کردن نقش رهبر این انقلاب است. و حمید تقوایی بعنوان لیدر چنین حزبی و از طرف چنین حزبی به کمونیست های ایران فراخوان میدهد که خود را بازیگران این صحنه ببینند و در چنین قامتی ظاهر شوند. و این است معنی اپوزیسیون اپوزیسیون نشوید.

فراخوان من به همه کمونیستها، رهبران جنبش کارگری، فعالین جنبش زنان، سازماندهندگان اعتراضات دانشجویی، فعالین دفاع از حقوق کودکان، فعالین محیط زیست و فعالین همه جنبش‌های حق طلبانه این است که فعالیت های خود را با این دورنما به پیش ببریم که ما اینبار میتوانیم انقلاب در حال شکل‌گیری را به پیروزی برسانیم. درایت سیاسی و اقدامات حساب شده زیر یک سیاست واحد و درست یکی از ضروریات پیروزی کمونیسم در ایران است.\*

توضیح انترناسیوناال: هابئله، کلمه ای ترکی است به معنای همینطور